

خطبہ روز جمعہ

۱۱/۰۶/۱۴۴۳ھ



جناب شیخ دکتر

عبدالمحسن ابن محمد القاسم
امام و خطیب مسجد نبوی شریف

با موضوع

رضمنود پیامبر ﷺ
در رفتار با کودکان و نوجوانان



a-alqasim.com



FawaidAlQasim

رهنمود پیامبر صلی الله علیه و سلم در رفتار

با کودکان و نوجوانان

همانا حمد و ستایش شایسته الله است، او را شکر می گذاریم و از او یاری جسته و طلب بخشش و مغفرت گناهان را می نماییم، و از شر گناهان و اعمال بد خویش به او پناه می بریم، کسی را که الله متعال هدایت کند، هیچکس باعث گمراهی او نخواهد شد، و کسی را که او گمراه کند دیگر کسی باعث هدایت او نخواهد شد، گواهی می دهم که الهی و معبودی به جز الله متعال نبوده، و محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

أَمَّا بَعْدُ:

ای مسلمانان تقوای الهی را پیشه کنید و در خلوت و جلوت حق او را به جای آورید.

ای مسلمانان:

الله متعال توانندی را در زندگی میان دو برهه ضعف و ناتوانی قرار داده است، و این برهه از توانندی تکیه گاه مستحکمی برای زندگانی در دنیا و آسایش در

زندگانی آخرت می باشد؛ و آن سن جوانی است و آن زمان توانمندی بعد از ضعف (کودکی) است. زمان درخشش اراده و علو همت هاست، همانگونه که فایده آنان (جوانان) برای بشریت در طی قرن های بسیار زیاد بوده است، قوم ابراهیم علیه السلام از ایشان این گونه یاد کردند: ﴿سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ﴾، «گفتند، شنیدیم جوانی که به او ابراهیم گفته می شد، از آنان سخن می گفت» و نیز از یحیی علیه السلام: ﴿وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾، «و از کودکی به او نبوت دادیم.»، ابن کثیر رحمه الله می گوید: «یعنی قدرت فهم، علم، جدیت، اراده و توفیق بر انجام کارهای خیر و صرف وقت برای انجام اعمال نیکو و سعی و تلاش در راه خیر، و آن درحالی که او در سنین خردسالی بود.»

و خداوند متعال درباره اصحاب کهف می فرماید: ﴿إِنَّهُمْ فَتِيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾، «آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم.»، ابن کثیر رحمه الله می گوید: «الله متعال آنان را با لفظ "فَتِيَةٌ" ذکر کرد که به معنای جوان است و آنها

کسانی بودند که حق را پذیرفته بودند و راه را بهتر از کهنسالان یافته بودند و از این روی بیشتر کسانی که دعوت الله و رسولش را پذیرفتند از جوانان بودند.»

و از جمله هفت گروهی که در روز قیامت در زیر سایه حمایت الله می باشند: «جوانی است که در طاعت و بندگی الله رشد و نمود کرده باشد» متفق آن علیه.

و در سیرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم موارد زیادی از رفتار و تعامل ایشان با خردسالان و جوانان صحابه ذکر شده است که چگونه با آنان متواضعانه می نشست و با آنان دیدار می کرد و به آنان چیزهایی می آموخت و همت و اراده آنان را می افزود، که نتیجه آن این شد که از میان آنان بهترین نسل ها پدید آمدند.

و از تواضع ایشان علیه الصلاة و السلام اینست که: «زمانی که با خردسالان روبرو می شد به آنان سلام می نمود.» به روایت مسلم.

ابن بطال رحمه الله می گوید: «سلام بر خردسالان نشانه اخلاق بزرگوارانه و آداب شرافتمندانه و تواضع ایشان بود.»

و پیامبر حریص بر تعلیم خردسالان و جوانان بود، جُنْدُبُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: «در حالی که ما نوجوان بودیم، همراه پیامبر بودیم، ایشان به ما ایمان را آموزش می داد قبل از آنکه ما قرآن بیاموزیم و سپس ما قرآن آموختیم، و ایمان ما به سبب آن هرچه بیشتر افزوده شد.» به روایت ابن ماجه.

و ایشان عقیده را در قلب های نوجوانان نهادینه می کرد، عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می گوید: «روزی از روزها که پشت سر پیامبر با ایشان در حرکت بودم، ایشان فرمود ای پسر به تو چیزهایی را می آموزم؛ حق و حریم الله را حفظ کن تا الله تو را حفظ نماید، حق و حریم الله را حفظ کن تا الله همراه با تو باشد، و اگر چیزی می خواستی از الله بخواه، و اگر کمک میخواستی از الله کمک به جوی ...» به روایت ترمذی.

و آنان را با لطافت و با روش های مختلف آموزش و تعلیم می داد، گاهی اوقات دستشان را می گرفت، معاذ رضی الله می گوید: «یکبار پیامبر دستم گرفت و فرمود: من تو را دوست دارم، و معاذ در جواب گفت: قسم به الله

من هم شما را دوست دارم؛ و فرمودند: تو را به جملاتی آموزش می دهم که بعد از هر نماز بخوانی و او در جواب گفت: بله، و ایشان فرمود: بگو "اللَّهُمَّ اَعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحَسَنِ عِبَادَتِكَ"، «پروردگارا مرا بر یادکردن ات و شکر گزاری ات و به بهترین وجه عبادت کردن ات، کمک نما» به روایت بخاری در کتاب الأدب المفرد، و بعضی اوقات دست های آنان را در دستش می گرفت، ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: «پیامبر به من تشهد خواندن را تعلیم می داد و دستم در میان دستش بود، همان گونه که سوره های از قرآن را به من آموزش می داد.» متفق علیه، و گاهی شانه آنها را می گرفت، عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و سلم دو شانه ام را گرفته بود، و فرمود: در دنیا همانند غریب و یا همانند یک مسافر زندگی کن» به روایت بخاری. و از مهربانی ایشان این بود که خردسالان در نزدشان می رفتند و به ایشان می گفتند که به ما یاد بده، ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: گفتم یا رسول الله! به من این کلام را یاد بده _ آیاتی از قرآن کریم- پس ایشان

سرم را نوازش نمودند و فرمودند: تو خودات یک نوجوان معلم هستی» به روایت احمد، و او یکی از قراء این امت بود.

و در تعلیم خردسالان و جوانان بسیار شکیبا بود، جابر رضی الله عنه می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و سلم استخاره کردن در کارها را به ما آموزش می داد، همانگونه که سوره هایی از قرآن را به ما تعلیم می داد.» به روایت بخاری.

و از مهربانی پیامبر نسبت به آنان این بود که آنان را زمانی که بر مرکب خویش سوار بود، پشت سرشان سوار می نمود و در حالی که کهنسالان از صحابه موجود بودند، «اسامه رضی الله عنه از سرزمین عرفات تا مزدلفه را پشت سر پیامبر سوار بر سواری بود و سپس فضل بن عباس از مزدلفه تا منی همراه پیامبر بود.» متفق علیه

و ایشان خردسالان و جوانان را به عبادت الله تشویق می کرد، ایشان به عبدالله بن عمر رضی الله عنهما - او نوجوانی بود- فرمود: «عبدالله پسر بسیار نیکویی است اگر در شب نماز بخواند! و از آن پس عبدالله شب ها

همیشه نماز می خواند و کمتر می خوابید.» متفق علیه و با آنان با لطیف ترین کلمات سخن می گفت، ایشان صلی الله علیه و سلم به خیرم الأسدی رضی الله عنه فرمود: «تو پسر نیکویی هستی اگر دو چیز را ترک کنی، او در جواب گفت: آن دو چه چیزهایی هستند؟ ایشان فرمودند: بلندی لباس ات که بر روی قوزک پایت آمده و موهایت که رها و نا منظم هست.» به روایت احمد.

و با آنان با عطوفت سخن می گفت و جویای حال خانواده هایشان می شد، مالک بن الحویرث رضی الله عنه می گوید: «ما با جمع دوستان مان به نزد پیامبر رفتیم و نزد ایشان بیست شب ماندیم، سپس او گمان کرد که ما دلتنگ خانواده هایمان شدیم، از این جهت از ما سوال کرد که چه کسی در خانواده مان هست که از او اکنون دور هستیم و ما به او خبر می دادیم - او بسیار مهربان بود - و او فرمود: به خانه و اهلتان برگردید، و آنچه یاد گرفته اید را به آنان آموزش دهید، و آنان را به انجام خوبی ها و دوری از بدی ها وادار کنید و همان گونه که من نماز می خوانم، نماز به جای آورید.» متفق علیه

و پیامبر صلی الله علیه و سلم فرد بلندمرتبه ای بود اما در عین حال با خردسالان مزاح می کرد، محمود بن الربیع رضی الله عنه می گوید: «من پنج ساله بودم و یک محبت خاصی از طرف پیامبر در صورت ام در یافت کردم؛ و آن اینطور بود که ایشان در دهانشان آب جمع می کردند و بعد بر صورت خردسالان می پاشیدند.» متفق علیه

و ایشان از پرندگان خانگی شان سوال می پرسید، انس رضی الله عنه می گوید: « پیامبر صلی الله علیه و سلم در جمع ما خردسالان می آمد و با ما همراه می شود تا اینکه از برادر کوچکم می پرسید: ای ابا عمیر! پرنده کوچک چکار می کند؟» متفق علیه

ابن بطال رحمه الله می گوید: «پیامبر که درود و سلام الله بر او باد با کودکان مزاح می کرد و با آنان بازی می کرد تا دیگران از او الگو بگیرند، و شوخی کردن با کودکان سبب کوچکی نفس می شود، بلکه سبب تواضع و دفع تکبر از نفس انسان است.»

ایشان کودکان را با دستانش به خانه شان می بردند، برای اینکه به آن ها غذا دهند، جابر بن عبدالله رضی الله

عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله روزی دست مرا گرفت و من را به منزلش برد و به من تکه نانی داد.» به روایت مسلم

زمانی که آنان را به خانه اش می برد و به آنان اجازه می داد که هر آنچه که می خواهند در خانه ایشان بشنوند (راحت باشند و هرکجا که می خواهند بروند) ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و سلم به من فرمود: هر وقت خواستی که به خانه ما بیایی، بدون اجازه می توانی وارد شوی و پرده ی در خانه را بگشایی؛ مگر آنکه زمانی به تو اجازه ورود ندهم.» به روایت مسلم و با آنان غذا می خورد و به آنان آداب غذا خوردن را می آموخت، عمر بن اَبی سَلَمَةَ رضی الله عنهما می گوید: «زمانی که در خانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زندگی می کردم در هنگام غذا خوردن دست ام را برای غذا در اطراف سفره می بردم، ایشان فرمودند: ای پسر! بسم الله بگو و با دست راست ات غذا بخور و از آنچه نزدیک ات هست، از همان بخور.» متفق علیه دعوت کودکان و جوانان صحابه را اجابت می کرد،

عبداللہ بن بسر المازنی رضی اللہ عنہما می گوید: «پدرم مرا به سوی پیامبر فرستاد تا ایشان را برای برای صرف غذا به خانه مان دعوت کنم، پس ایشان صلی اللہ علیہ و سلم همراه من به سمت خانه ما حرکت کردند، زمانی که به خانه نزدیک شدم با سرعت خودم را به خانه رساندم تا والدین ام را از آمدن ایشان آگاه سازم، پس آن ها از خانه خارج شدند و با نبی صلی اللہ علیہ و سلم رو به رو شدند و به ایشان خوش آمد گفتند.» رواه احمد

و زمانی که یکی از کودکان صحابه بیمار می شد از او عیادت می کردند، زید بن ارقم رضی اللہ عنہ می گوید: «چشمانم دچار بیماری شده بود و پیامبر صلی اللہ علیہ و سلم از من عیادت کردند.» به روایت احمد

و پیامبر صلی اللہ علیہ و سلم استعداد های هر یک از آنان را کشف می کردند و به آنچه که سبب منفعت خودش و امت اسلامی بود، جهت دهی می نمودند، زمانی که پیامبر صلی اللہ علیہ و سلم به مدینه آمدند، زید بن ثابت رضی اللہ عنہ که سنش کمتر از پانزده سال بود به نیکویی می نوشت، پس او را از نویسندگان وحی قرار داد،

و نیز در او ذکاوت یادگیری زبان ها را یافت و از او خواست که زبان یهودیان را یاد بگیرد تا به عنوان مترجم برای او باشد، زید می‌گوید: پس کمتر از پانزده شب زبان یهودیان را کامل و به خوبی یاد گرفتم، و برای پیامبر صلی الله علیه و سلم نامه هایی که آنان برایش می نوشتند را می خواندم و جواب پیامبر به آن ها را نیز کتابت می نمودم.»
رواه احمد

بر یادگیری کتاب الله برای خردسالان صحابه اصرار داشت و می فرمود: «قرآن را از چهار نفر بیاموزید: ابن ام عبد (یعنی ابن مسعود)، معاذ بن جبل، اُبی بن کعب و سالم مولی ابی حذیفه رضی الله عنهم.» متفق علیه، و به جهت نشان دادن جایگاه و مقام آنان، آن ها را می ستود. قرائت زیبا و دلنشین سالم مولی ابی حذیفه رضی الله عنه را شنید، در حالی که او نوجوانی بیش نبود، پس فرمودند: «خدا را سپاس که در امت من همانند او را قرارداد» به روایت ابن ماجه، و در معاذ رضی الله عنه آگاهی به امور دینی را یافتند، پس فرمودند: «آگاه ترین شما به حلال و حرام معاذ بن جبل است.» روایت احمد

ایشان محبتشان را به خردسالان و جوانان اصحاب ابراز می کردند، و محبتش را به آنان نشان می داد تا آنان بدان آگاه شوند و دیگران نیز جایگاه آنان را نزد ایشان متوجه شوند، از زید بن حارثه رضی الله عنه نقل شده است که می فرمود: «او از جمله کسانی بود که دوست اش می داشتم و حال او (یعنی پسرش، أسامه) بعد از پدرش از کسانی است که او را دوست می دارم.»

و زمانی که با فرزندان و زنان انصار روبرو می شد، عرض می نمود: «پروردگارا! شما از دوست داشتنی ترین افراد نزد من هستید.» متفق علیه

و ایشان دعای خیر برای دنیا و آخرت خردسالان صحابه از روی محبت و اکرام می نمود، ابن عباس رضی الله عنه می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم من را در آغوشش گرفت و فرمود: بار خدایا! او را عالم به کتاب بگردان» به روایت بخاری، و برای انس رضی الله عنه دعا نمود: «بار خدایا! بر مال و فرزندانش بیافزون و در آن ها برایش برکت قرار بده» متفق علیه.

پیامبر به سبب اعتمادی که به آنان داشت بعضی از

اسرار اش را با آنان در میان می گذاشت، انس رضی الله عنه می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و سلم با من یک رازی را در میان گذاشت که من آن را به هیچ کس نگفتم، مادرم اُمُّ سُلَیْم از من آن را پرسید، حتی به او هم خبر ندادم.» متفق علیه

به ایشان کارها و مسولیت های مهمی را می سپرد، عَنَّاَبَ بن اَسید رضی الله عنه را والی مکه تعیین کرد و در سال هشتم هجری مسلمانان با او حج انجام دادند، در حالی که او کمتر از بیست سال عمر داشت.

پس از بی هریره رضی الله عنه، بیشتر کسانی که از او حدیث نقل نموده اند، پنج نفر می باشند که عبارتند از: انس، جابر، ابن عباس، ابن عمر و عائشة رضی الله عنهم که همه آنان از کم سن و سالان اصحاب بودند.

ایشان با کم سن و سالان اصحاب در مورد امور مهمی مشورت می نمود، در حادثه افک در زمانی که وحی هنوز نیامده بود به سوی علی بن ابی طالب و اسامة بن زید رضی الله عنهما فرستاد تا با آنان در این مورد مشورت کند. متفق علیه

در مجالس به آنان ارزش می داد و آنان را گرمی می داشت با این وجود که بزرگان اصحاب نیز حضور داشتند؛ «برای پیامبر صلی الله علیه و سلم یک نوشیدنی آورده شد که از آن نوشیدند، در سمت راستش نوجوانی بود و در سمت چپش بزرگانی نشسته بودند، پس رو به نو جوان کرد و فرمود: آیا اجازه می دهی که این نوشیدنی را به آنان بدهم؟، نوجوان پاسخ داد: خیر! قسم به الله متعال اجازه نمیدهم کسی بامن در سهم ام شریک شود، و رسول الله آن را به دست او داد.» متفق علیه

و ایشان اگر مصیبتی به جوانان و خردسالان اصحاب می رسید آن را بزرگ می شمردند، انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: «هفتاد نفر از جوانان انصار که همگی آنان به قراء قرآن کریم معروف بودند، و همیشه جایشان در مسجد بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم آنان را برای جهاد اعزام کردند که همگی آنان در معركة بئرِ مَعُونَةَ، به شهادت رسیدند، و پیامبر پانزده روز در نماز فجر بر علیه قاتلین آنان دعا می نمود.» به روایت احمد، اصل واقعه در صحیحین ذکر شده است.

اولین افرادی که در زمان آغازین رسالت پیامبر ایمان آوردند و او را یاری نمودند عمرشان ما بین هشت تا سیزده سال بود مانند علی، طلحه و زبیر رضی الله عنهم. زمانی که قریش قصد این را کردند تا پیامبر صلی الله علیه و سلم را از مکه بیرون کنند انصار به دیدار پیامبر آمدند، که نیمی از ایشان از کم سن و سالان بودند، که دو بار در عقبه با ایشان بیعت کردند که از جمله آنان جابر بن عبدالله رضی الله عنه است.

قبل از آنکه به مدینه تشریف ببرند نوجوانی مانند مصعب بن عمیر رضی الله عنه را برای تعلیم قرآن و آموزش امور دینی برای اهل مدینه فرستادند و او همراه با جوانی همانند خودش به نام اسعد بن زراره شد.

و زمانی که پیامبر صلی الله علیه و سلم خواستند به مدینه هجرت کنند، از علی بن ابیطالب که جوانی بود درخواست کردند که فعلا هجرت نکند تا بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و سلم امانت هایی که از طرف مردم در نزد ایشان بود را به صاحبان آن برگرداند.

در راه هجرت نوجوانان و جوانانی، او صلی الله علیه

وسلم را کمک و یاری می‌کردند، چنانکه زمانی که در غار همراه صاحبش ابی بکر صدیق رضی الله عنه بود، عبدالله بن ابی بکر که نوجوانی بیش نبود، اخبار اهل مکه را برایش می‌آورد، که عایشه رضی الله عنها درباره او می‌گوید: «او نوجوانی فهیم و باهوش بود.» و همچنین اسماء رضی الله عنها که دختر نوجوانی بود، برایشان آب و غذا می‌آورد.

و زمانی که به مدینه رسیدند نوجوانان مدینه با شادی از ایشان استقبال نمودند، براء رضی الله عنه می‌گوید: نوجوانان و خادمان در کوچه‌های مدینه پخش شده بودند و با صدای بلند می‌گفتند: «یا محمد یا رسول الله ... یا محمد یا رسول الله..» به روایت مسلم

و زمانی که ایشان علیه الصلاه و السلام در مدینه مستقر شدند، یاران ایشان که از مکه به مدینه آمده بودند، همگی از جوانان بر شمرده می‌شدند، انس رضی الله عنه می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و سلم به مدینه هجرت کردند در حالی که تمام همراهیان او موهایشان به رنگ سیاه بود به جز ابی بکر صدیق رضی الله عنه.» به روایت بخاری

در غزوه بدر زمانی که پیامبر اصحابش را برای حضور در جهاد فراخواند ابن عباس رضی الله عنه می گوید: «جوانان با سرعت به سوی او شتافتند» به روایت ابن حبان، و در زمان معرکه حنین جوانان برای جهاد حاضر شدند بدون اینکه همراهشان صلاحی باشد.

و قبل از وفاتش علیه الصلاه و السلام سپاهی بزرگی را برای روبه رویی با رومیان در شام تجهیز کردند و اسامة بن زید رضی الله عنه را که جوانی هفده ساله بود به عنوان فرمانده برای آن سپاه تعیین نمود.

از رفتارهای ویژه پیامبر صلی الله علیه و سلم با خردسالان که سبب محبت قوی بینیشان بود، زمانی که ایشان از سفر بر می گشتند، تمامی آنها برای استقبال از ایشان دور هم جمع می شدند، سائب رضی الله عنه می گوید: «با دیگر بچه ها برای استقبال از پیامبر صلی الله علیه و سلم زمانی که ایشان از غزوه تبوک بر می گشتند حاضر شدیم.» به روایت بخاری

و آن ها در خانه پیامبر صلی الله علیه و سلم شب ها می خوابیدند، رَبِيعَةَ بْنِ كَعْبٍ الْأَسْلَمِيِّ می گوید: «من

همراه پیامبر یک شب در خانه ایشان خوابیدم زمانی که برای ایشان صلی الله علیه و سلم آب برای وضو و رفع حاجت شان آوردم به من فرمودند: از من چیزی بخواه، و من گفتم دوست دارم همراه شما در بهشت باشم.» به روایت مسلم

و زمانی که یکی از آنان در خانه پیامبر می خوابید سرش را در کنار سر پیامبر بر روی بالشت ایشان قرار می داد، ابن عباس رضی الله عنه یک شب را در خانه ام المومنین میمونه رضی الله عنه که خاله اش بود گذراند او می گوید: من در عرض بالشت ایشان خوابیدم و آندو در طول آن « متفق علیه

و بعد ای مسلمانان:

هرچه که اخلاق یک فرد برتر باشد به همان نسبت برای خردسالان تواضع می کند. خردسالان به سوی کسی که به آنان نزدیک شود و آنان را آموزش دهد متمایل می شوند. قوت درک و توانایی آنان در فهمیدن و حفظ کردن گاهها بهتر از بزرگسالان است و دین اسلام مطابق با فطرت آنان است از این جهت آداب و احکام آن را دوست می

دارند. رهنمود های پیامبر صلی الله علیه و سلم ما را به این شیوه تعامل نیکو با آنان و او می دارد، برخلاف اینکه آنان را کوچک بشماریم و یا به آنان توجه نکنیم.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ
 يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

« قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»

خطبه دوم

حمد و ثنا میگویم الله را بر احسان و خوبی هایش، و او را شکر گذاریم بر توفیقش، و برای ارج نهادن به مقام والای ایزدیش شهادت میدهم که هیچ معبود بر حقی به جز الله وجود ندارد، و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده ی اوست، درود بی کران الله بر او صحابه کرامش باد.

ای مسلمانان:

رهنمودهای پیامبر برترین شیوه ها و کامل ترین راه های زندگی است و روابط اجتماعی او از برترین شیوه هاست. کودکان امروز امید آینده و آینده سازان امت هستند. هر کس که به دنبال رشد و سعادت آینده می باشد، پس ملتزم به رهنمود های پیامبر شود، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و سلم با نوجوانان و جوانان از اصحاب تعامل داشتند که سبب شد آنان از علم بهره مند شوند و امت اسلامی نیز به سبب آنها سود برد. و از توفیق الهی برای خردسالان این است که یک معلم عالم که به آنان دینشان را بیاموزد و آنان را مطابق با آداب انبیاء علیهم السلام تربیت کند و بر والدین آنان نیز واجب است که در این راه تمام سعی و کوششان را کنند.

خطبة الجمعة

١٤٤٣/٠٦/١١ هـ



فضيلة الشيخ الدكتور

عبدالمجيد بن محمد القاسمي

امام وخطيب المسجد النبوي الشريف

بعنوان

هَدْيُ النَّبِيِّ ﷺ مَعَ الصَّغَارِ وَالشَّبَابِ

مترجمة باللغة الفارسية



a-alqasim.com



FawaidAlQasim